

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

هر روز به خود تلقین کنیم خوب خدایی داریم

خدای متعال به همه‌ی ضعف و قوت‌های بندگانش علم دارد؛ ولی رحمت و کرم و عنایت پروردگار را نگاه کنید که درباره‌ی بنده‌ای که از همه چیز او آگاه است، می‌فرماید: اگر بندگانی از مخلوقات من بیایند و به خوبی شخصی که از دنیا رفته شهادت دهند، من علم خود و اطلاعاتی را که در مورد پنهان و آشکار وجود او دارم، کنار می‌گذارم و به آن اعتنا نمی‌کنم و به شهادت نیک بندگانم عمل می‌کنم. حتی در روایت داریم اگر چهل مؤمن بر روی کفن کسی امضا کنند، خدای متعال شهادت این افراد را ملاک قرار می‌دهد و علم خود را کنار می‌گذارد و به آن، ترتیب اثر نمی‌دهد. امضا کردن روی کفن، سنت بسیار زیبا و خوبی است. بعضی هم مقیدند و به این سنت خیلی قشنگ عمل می‌کنند؛ کفنی تهیه می‌کنند و نزد بعضی از اهل ایمان می‌برند و می‌گویند: شما شهادت دهید که من شخص خوبی هستم.

کفن در یک مرتبه، همین پارچه است که روی آن امضا می‌کنند؛ اما شاید منظور از کفن، بدن ما نیز باشد؛ یعنی همین حُسن‌ظنی که در نگاه به مؤمن داریم، خود نوعی شهادت است. خداوند می‌فرماید: اگر چهل نفر شهادت دهند، من به علم خودم ترتیب اثر نمی‌دهم. البته شاید مقصود از عدد چهل، سی و نه به‌علاوه‌ی یک نباشد. عدد چهل عدد کامل است؛ یعنی اگر تعداد قابل توجه و قابل‌اعتنایی به خوبی فرد شهادت دهند، من خدا او را خوب حساب می‌کنم.

این از یک‌سو، از طرف دیگر ببینیم خداوند به افرادی که می‌خواهند شهادت دهند، چه فرموده است. پناه می‌بریم به خدا از اینکه نگاه فرد، نگاه قشنگی نباشد؛ یعنی وقتی می‌خواهد شهادت دهد، بگوید:

من از کجا بدانم که او انسان خوبی است؛ نکند شهادت دهم و فردا یقه‌ی مرا بگیرند و بگویند تو بیخود شهادت دادی؛ یعنی شهامت شهادت دادن به خوبی آن بنده را نداشته باشد؛ یا حتی خدای ناکرده، بدبین باشد و بگوید: من خبر دارم که او انسان خوبی نبوده، چگونه شهادت دهم که شخص خوبی بوده است؟ خدایی که به همه‌ی عیوب بندگان اعلم است، به افرادی که قرار است شهادت دهند، گفته که چگونه شهادت دهند. در نماز میّت، می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»^۱: خدایا ما از فردی که الآن جنازه‌اش جلوی ما قرار گرفته و بر آن نماز می‌خوانیم، چیزی جز خوبی خبر نداریم. این را خود خدا در دهانمان گذاشته؛ گفته واجب است نماز میّت بخوانید؛ یعنی به ما امر کرده که به خوبی فرد شهادت دهیم. تو چه کار داری؟ همه‌ی خطورات را درمورد این بنده تکذیب کن و کنار بگذار و چیزی که من می‌گویم بگو. من به تو می‌گویم بگو: «إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»: خدایا ما جز خوبی از این بنده سراغ نداریم.

پس از یک طرف به شهادت‌دهنده‌ها گفته همه‌ی اطلاعات خود را کنار بگذارید و به خوبی او شهادت دهید و از طرف دیگر هم فرموده که من همه‌ی اطلاعاتم را کنار می‌گذارم و همین شهادتی را که شما به خوبی او دادید، ملاک قرار می‌دهم و بر آن اساس با وی رفتار می‌کنم. ببینید چه کرده است! اینکه در تلقین میّت، خطاب به میّت می‌گوییم: ای فلانی، فرزند فلانی، بدان «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ...»^۲ که خدا خیلی خدای خوبی است؛ خیلی ربّ خوبی است؛ در این صحنه، یک جلوه از نِعَمَ الرَّبِّ را ببینید که خدا چه کرده است! از یک طرف، خودش اطلاعاتش را کنار گذاشته و از طرف دیگر، به افرادی که می‌خواهند شهادت بدهند، گفته واجب است که بگویید: «إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا» و براساس این با بنده‌اش رفتار می‌کند.

^۱ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۸۴ و ۱۹۶.

^۲ مجلسی، زادالمعاد، ص ۳۵۳ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، تلقین میّت.

امیدواریم این لذت را بچشیم. لازم نیست حتماً شخص فوت کند تا با این آموزه‌ها مرتبط شود. خدا حاج آقای دولابی را رحمت کند، رضوان الله تعالی علیه؛ ایشان می‌فرمود: چرا تلقین را بگذاریم برای بعد از مرگمان که به کسی پول بدهند تا بیاید و او هم به اشتباه تلقین زن را برای مرد و تلقین مرد را برای زن بخواند و کسی هم متوجه نشود که او چگونه خواند؟! چرا این کار را نکنیم؟ خودمان به خودمان تلقین بخوانیم؛ یعنی هر روز بنشینیم و به خودمان بگوییم: «اسْمَعِ اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ»^۳: گوش کن، بفهم؛ «اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى نِعْمَ الرَّبُّ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نِعْمَ الرَّسُوْلُ»^۴: خدای ما خوب خدایی است، پیغمبر ما خوب پیغمبری است، امامان ما خوب امامانی هستند، دین ما خوب دینی است. اینها را به خودمان تلقین کنیم تا به خواست خدا، باورمان بیاید؛ و این باور هم در دنیا، هم در آخرت یاورمان شود.

حدیثی از پیغمبر اکرم ﷺ در کتاب "منهاج العارفين و معراج العابدین" تألیف سید محمد حسن حسنی سمنانی روایت شده که خیلی بزرگ است: «رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ اَنَّهُ قَالَ» حضرت فرمودند: «مَنْ كَتَبَ هَذَا الدُّعَاءِ وَ اَلْقَى فِي كَفَنِ الْمَيِّتِ اَوْ وَضَعَ فِي يَدِهِ لَا يُعَذَّبُ فِي قَبْرِهٖ وَاللّٰهُ وَاللّٰهُ وَاللّٰهُ» اگر کسی این دعا را بنویسد و در کفن میّت بگذارد؛ یا بعد از اینکه میّت را غسل دادند، در دست او بگذارد و دست او را ببندد که از داخل دستش نیفتد، واللّٰه، واللّٰه، واللّٰه! این میّت در عالم قبر و برزخ، عذاب نخواهد شد. رسول الله ﷺ سه بار سوگند جلاله خوردند. آن دعا این است: «اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا اَوَّلُ قُدُوْمِيْ اِلَيْكَ فَاَكْرَمْنِيْ فَاِنَّ الصِّيفَ اِذَا نَزَلَ بِقَوْمٍ يُكْرَمُ وَ اَنْتَ اَوْلٰى بِالْكَرَامَةِ» خدایا! این اولین گام من به سوی توست؛ پس مرا اکرام کن؛ چراکه وقتی میهمانی بر قومی وارد می‌شود، مورد تکریم قرار می‌گیرد و تو به کرامت و کرم کردن اولی هستی؛ کریمانه با من رفتار کن.

۳. مجلسی، زادالمعاد، ص ۳۵۲ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تلقین میّت.

۴. مجلسی، زادالمعاد، ص ۳۵۳ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تلقین میّت.

«الهی ما دُمْتُ حَيًّا عَصِيَّتَكَ وَ أَنْتَ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ (عَلَيَّ) وَ الْآنَ انْقَطَعَ عِصْيَانِي فَلَا تَقْطَعْ إِحْسَانَكَ عَنِّي»: خدایا! تا زنده بودم، معصیت تو را می‌کردم و تو با من خوبی می‌کردی و الآن من جان داده‌ام و مُرده‌ام و عصیان من قطع شده است. حالا که دیگر معصیت هم نمی‌کنم، پس خوبی کردنت را به من قطع نکن.

«يَا رَبِّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَطْهَارِ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ»: ای پروردگار من! به‌حقّ پیامبر اکرم و خاندان پاک و نیک و نیکوی او، مرا از آتش رها و آزاد کن «وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ»

این برای میتهای ظاهری است که فوت کرده‌اند، امیدواریم ما این حقایق را در کفن خودمان هم بنویسیم و کف دستمان بگذاریم؛ یعنی این حقایق باورمان شود؛ که اگر باورمان شود، وقتی می‌گوییم دنیا قبر و سجن مؤمن است، خواهیم دید که عذاب از همینجا معنی ندارد. همین‌جا این حقیقت را داخل کفنمان؛ یعنی در جانمان بنویسیم و بگذاریم، آن وقت خدای متعال از همین‌جا طعم شیرین عفو و غفران خود را به ما می‌چشاند؛ ان شاء الله.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ